



## با وفاق به سمت حل مشکلات مردم برویم

مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور کشورمان در دیدار با نمایندگان مجمع نمایندگان استان‌های کشور گفت: «امروز تفاوتی بین دولت و مجلس نیست؛ همه در کنار یکدیگر هستیم تا بتوانیم کشور را به جایگاه واقعی خود برسانیم.» وی ادامه داد: «امروز باید با وفاق و پرهیز از دعوای گروهی و جناحی، به سمت حل مشکلات مردم حرکت کنیم. امروز دولت تلاش کرده در تصمیمات خود، از نگاه سیاسی فاصله بگیرد تا بتواند شعار وفاق را تحقق بخشد.» پزشکیان ضمن تبیین راه حل‌های اجرایی برای رهایی از مشکلات و موانع در کشور، گفت: «دشمن از روز اول سعی کرد تا با ترور و ایجاد رعب و ترس مانع از ایجاد وحدت و انسجام داخلی در کشور شود و کام مردم را تلخ کند، اما ما باید با ایجاد وفاق و همکاری با یکدیگر، گره از مشکلات مردم باز کرده و مانع از تحقق اهداف آنان شویم.»



## پایان حصر در صلاحیت شورای عالی امنیت ملی است

اصغر جهانگیر، سخنگوی قوه قضائیه درباره آخرین جزئیات رفع حصر میرحسین موسوی، زهرا رهنورد و مهدی کروبی و اینکه برخی از جمله دبیرکل حزب مؤتلفه اعلام می‌کنند که موضوع حصر پایان یافته است، عنوان کرد: «اولاً باید این سوال را از کسی که این موضوع را مطرح کرده پرسید. باید از کسی که گفته این اتفاق افتاده است منشأ حوش پرسیده شود. در ثانی، به دلیل آنکه این موضوع در صلاحیت مصوبات شورای عالی امنیت ملی بوده لذا آن‌ها ورود می‌کنند و هر زمان سیاست‌گذاری لازم را انجام دهند، اطلاع‌رسانی لازم صورت خواهد گرفت.» جهانگیر در پاسخ به این سوال که پیگیری قوه قضائیه درباره رفع حصر به چه صورتی است؟ گفت: «قوه قضائیه بر اساس سیاست‌های کلی نظام عمل خواهد کرد.»

## ادامه سر مقاله

به همین دلیل، یکبارگی مدیریت اجرایی کشور دچار اختلال و ناکارآمدی می‌شود. آثار منفی این وضعیت در جریان رسیدگی به لایحه بودجه نیز دیده می‌شود. به این معنی که ساختار بودجه از دو سو دچار فرسایش می‌شود. از یک سو، در سطح ارقام کلان و کلیات بودجه و از سوی دیگر، در طرح‌های منطقه‌ای شاهد این فرسایش در ارقام بودجه هستیم. در سطح کلان برای اینکه مجلس طرفدار برخی شعارها و وعده‌ها معرفی شود، برخی هزینه‌ها را افزایش می‌دهند. افزایشی که ممکن است در برخی موارد و به‌ظاهر مطلوب هم باشد، ولی در حال منبج تأمین آنها مسئله اصلی است. منابعی که معمولاً تأمین نمی‌شوند و در قالب کسری بودجه و تورم خود را نشان خواهد داد. در سطح خرد و منطقه‌ای به تصویب و اجرای طرح‌هایی اصرار می‌کنند که به لحاظ منطق اقتصادی توجیه‌پذیر نیست و نوعی اتلاف منابع تلقی می‌شود و برخی نیز سال‌های بسیار زیادی در دست اجراست و در نهایت برای جامعه و مردم زیان‌بار است ولی موجب تقویت نماینده آن منطقه و افزایش شانس انتخاب مجدد او می‌شود.

در یک نظام مطلوب پارلمانی، همه نمایندگان در جزئیات و ارقام بودجه دخالت نمی‌کنند چون این مسئله‌ای تخصصی و کارشناسی است. دخالت نمایندگان از طریق احزاب متبوع خود انجام می‌شود و دولت با دویا یا سه حزب اصلی سر و کار دارد و نه با ۳۰۰ نماینده مختلف‌المنافع. با وجود چنین ساختاری در مجلس و تأملاتی که نمایندگان ملزم به تعامل جمعی و حزبی نباشند، دور از ذهن است که اتفاق مثبتی در فرایند رسیدگی به بودجه رخ دهد. این را می‌توان فرایند ناپیدا و پنهان تصویب بودجه کشور معرفی کرد؛ فرایندی که مجلس و نمایندگان آن در بودجه اثرگذاری دارند و اعمال قدرت می‌کنند، ولی مسئولیت‌پذیری متناسب با این قدرت را ندارند. مجلس معمولاً عملکرد دولت را نقد می‌کند بدون اینکه بپذیرد بودجه را خودشان تصویب کرده‌اند.

دیدگاهی که می‌گوید باید جنگ را گسترش داد و دیگر تنها به هدف قرار دادن مراکز نظامی اکتفا نکرد. علی‌اکبر رائفی‌پور، سخنران سابق که مدتی است خود را در قامت تئوریسین سیاسی می‌بیند و گروهی به نام «جبهه صبح ایران» را هم تشکیل داده، هفتم آبان در صفحه توئیتر خود نوشت: «صهیونیست‌ها از جمله نتانیاهو اعلام کرده‌اند که مراکز تولید موشک را هدف قرار داده‌اند! برای نمونه در منطقه شهرک صنعتی شمس‌آباد یکی از موشک‌ها به کارخانه تولید قطعات صنعت نفت خورده و شهید الهوردی رویم‌پور نگهبان آن کارگاه بوده است. ما تاکنون شهروندان عادی را با وجود اینکه اشغالگر هستند در سرزمین‌های اشغالی هدف قرار نداده بودیم اما خوب ظاهراً صهیونیست‌ها دوست دارند پارادایم بازی عوض شود.» البته پیش از این، یازدهم مهر مشابه همین نظر از سوی علی‌خضریان، عضو شورای مرکزی جبهه پایداری و نماینده مجلس دوازدهم ارائه شده بود؛ جایی که او در جمع خبرنگاران گفت: «به رژیم صهیونیستی اخطار می‌دهم که اگر دست به خطا بزند، این بار این گونه نیست که جمهوری اسلامی ایران فقط زیرساخت‌های نظامی این رژیم را مورد هدف قرار دهد، بلکه ایران دسترسی به دیگر مناطق این رژیم هم خواهد داشت و در دفاع مشروع از خودش قطعاً این موضوع را مدنظر قرار می‌دهد.»

## همان همیشگی

ظاهراً یک اصل در بین بخشی از اصول‌گرایان تندرو وجود دارد که در هر موضوعی و به هر بهانه‌ای باید یک لگد به اصلاح‌طلبان و چهره‌های نزدیک به آنها زده و آنها را مخاطب انتقادات خود قرار دهند. در ماجراهای اخیر ایران و اسرائیل هم همینطور بوده است. در این مسیر می‌توان به دو بیانیه رسمی صادرشده توسط دو گروه اصول‌گرا اشاره کرد. شریان در بخشی از بیانیه هفتم مهرماه خود خطاب به نماینده‌های مجلس نوشت: «از نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی مجدانه می‌خواهیم ضمن پاسخگو نمودن آقای عباس عراقچی، وزیر امور خارجه درباره اصرار وی بر جا انداختن گزاره‌ی غلط «تله تنش» آن هم در میانه‌ی این جنگ فراگیر و نیز تلاش او در قرار دادن مجدد کشور در ریل مذاکرات برجام که به تعبیر امام خامنه‌ای «خسارت محض» بود، از تکرار خسارت به ملت عزیز ایران جلوگیری نموده و با استفاده از ظرفیت‌های قانونی، نگذارند اقتصاد و امنیت و عزت ایران اسلامی، بیش از این پای رفتارهای عجیب و مبهم گروهی پرادعا و کم‌بازده در عرصه سیاست خارجی قربانی بدهد.» آنها در بخش دیگری از این بیانیه، از مسعود پزشکیان خواسته بودند: «از ایشان می‌خواهیم ضمن ادامه‌ی محکم این روند، نسبت به برخی مشاوران و معاونان خود که احتمال آلودگی به نفوذ دارند و از استعلام‌های مثبت دستگاه‌های امنیتی و نظارتی برخوردار نیستند، تجدیدنظر نمایند و گامی قاطع در مسیر وفاق ملی بردارند.»

علاوه بر شریان، در بیانیه روز دهم مهرماه جمعیت جنبان‌ازان انقلاب اسلامی هم چنین دیدگاهی دیده می‌شود. آنها در بخشی از بیانیه خود آورده بودند: «باید بدانیم نقش نفوذی‌های وطن‌فروش داخلی در ادامه‌ی شعار «نه غزه، نه لبنان» بار دیگر خود را نشان داد... باورمندی جبهه مقاومت و حزب‌الله لبنان به فرهنگ شهادت و مکتب مقاومت همواره آنان را مصمم‌تر از پیش کرده است. چرا تردیدافکنان سخت‌ت تحلیل داخلی نمی‌خواهند تجربه پیروز برآمدن حق بر باطل را در سخت‌ترین شرایط تاریخ باور کنند و دائماً با پروژه بزرگ‌نمایی دشمن، ترس و وحشت را بر دل‌های مومنین آوار می‌کنند؟»

## شکاف اصول‌گرایی

همانطور که در گزارش مورد اشاره قرار گرفت، در ماجرای ایران و اسرائیل تنها وحدت موضوعی که بین اصول‌گرایان وجود دارد، بحث محکوم کردن اسرائیل است، وگرنه در باب سیاست داخلی شکافی عمیق بین آنها دیده می‌شود. بخشی از بدنه اصول‌گرایان سیاستی متعادل را پیش گرفته‌اند، یا در این موضوع درباره مسائل داخلی اظهارنظر نمی‌کنند (مانند بیانیه‌هایی که جبهه پایداری منتشر کرده و در آن ردی از مسائل داخلی دیده نمی‌شود و تمام پیرامون محور مقاومت است) و یا جانب اتحاد ملی را پیش گرفته و از سیستم حمایت می‌کنند.

اما در بخش دیگر اصول‌گرایان که منتقدان وضع موجود به شمار می‌روند، وضعیت به گونه‌ای است که انسان هر لحظه می‌ترسد که اگر این طیف قدرت بیشتری بگیرند، چه فاجعه انسانی را رقم خواهند زد؛ گروهی که رسماً و علناً از ساخت بمب اتم حرف می‌زنند و به راحتی از کشتار انسان‌ها می‌گویند. شاید بتوان اینگونه گفت که این گروه دوم اگر بحث خجالت (و شاید ترس) نباشد، حتی این پتانسیل را دارند که مقابل مقام رهبری ایستاده و فریاد بزنند که رهبری هم باید به مسیر مساباید، کما اینکه رهبری در خطبه‌های نماز جمعه روز سیزده مهر گفته بودند: «در انجام وظیفه نه عجله می‌کنیم، نه شتاب‌زده می‌شویم» و در سخنرانی اخیر نیز گفتند: «کیفیت کار را باید مسئولان ما به درستی تشخیص و آنچه به صلاح این کشور و ملت است، انجام دهند.»

## تغییر دکتربین‌دهد

به غیر از انتقاداتی که از راه و روش رفته توسط دولت و سیستم نظامی مطرح شده است، بخشی از اصول‌گرایان به این سمت و سو حرکت کرده‌اند که ایران نیاز به تغییر اساسی در مسیر و راه خود دارد. به عبارتی آنها می‌گویند که با تحولات صورت‌گرفته، کشتی‌بان باید سیاستی دیگر در نظر بگیرد. در این مسیر دو نوع دیدگاه وجود دارد: یک دیدگاه می‌گوید که باید به سمت تغییر دکتربین هسته‌ای رفت، دیدگاهی که البته پا را فراتر از اظهارنظر گذشته و حتی اقدام به نامه‌نگاری برای رسیدن به این هدف کرده است. میثم ظهوریان، نماینده مجلس دوازدهم، ۵ آبان در مصاحبه خود با دیده‌بان ایران گفته بود: «با توجه به اینکه دشمنان ما هیچ قید و بند اخلاقی ندارند و به سلاح‌های هسته‌ای و کشتار جمعی مجبزه هستند، دوستانی که نامه را امضا کرده‌اند، معتقدند که براساس اصل لزوم ایجاد بازدارندگی در برابر دشمنان و با توجه به تغییر شرایط زمان و مکان، امکان تغییر سیاست هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران نیز وجود دارد.»

در ادامه همین مسیر می‌توان به بخشی از بیانیه‌ای اشاره کرد که شریان در تاریخ ۲۸ مهر منتشر کرد و در آن آمده بود: «به فرماندهان قهرمان و دلاور نیروهای مسلح خدقوت می‌گوییم و از آنان درخواست داریم با تغییر دکتربین دفاعی-هسته‌ای، در جنگ تمام‌عیاری که دشمن خونخوار به امت اسلامی تحمیل کرده، رویکرد تهاجمی و حمایت قاطع و آشکار از تمامی اضلاع محور مقاومت - و نه فقط جغرافیای ایران عزیز - را مدنظر قرار داده و بدانند پاسخ‌های بازدارنده و مملو از تلفات در سرزمین‌های اشغالی و اشغالگران چندملیتی مهاجر از غرب که همگی نیروهای نظامی محسوب می‌شوند، با پشتوانه‌ی حداکثری مردم قهرمان ایران اسلامی و امت عدالتخواه جهان اسلام و ملت‌های آزادیخواه دنیا قرار خواهد گرفت.»

در نمونه‌های دیگر، محمدرضا صباغیان یکی از نماینده‌های مجلس، در روز یازدهم مهرماه نطقی را در مجلس داشت و گفت: «از رهبر معظم انقلاب اسلامی خواهیم خواست که اگر صلاح بدانند استراتژی و فتوای ساخت سلاح هسته‌ای تغییر یابد. ساخت «سلاح هسته‌ای» برای ما آسان خواهد بود. در شرایط فعلی برای ایجاد توان بازدارندگی و تأمین امنیت ملی ایجاد امکان ساخت سلاح هسته‌ای لازم است.» حسنعلی اخلاقی امیری، یکی دیگر از بهارستانی‌ها هم چهارم آبان مصاحبه‌ای با دیده‌بان ایران داشته و در آن گفته است: «نسبت بحث دکتربین دفاعی ما براساس فتوای حضرت آقا در سال ۸۹ همانی است که قبلاً مطرح شده است، اما امروز که رژیم جعلی و منحوس صهیونیستی متأسفانه هیچ تعهدی را قائل نیست و هیچ سازمان بین‌المللی و قدرت اروپایی و آمریکایی نمی‌تواند این سنگ‌هار را کنترل کند، احساس می‌شود که این موضوع باید کارشناسی شود. چه ایرادی دارد که ما در موضوع بازدارندگی سراغ آن چیزی برویم که به واسطه صلحت زمان و مکان پیشتر رهبر انقلاب در حرمت آن سخن گفته‌اند؟» پیش از او، وحید احمدی یکی دیگر از نماینده‌های مجلس در تاریخ ۲۶ مهر مصاحبه‌ای با دیده‌بان ایران انجام می‌دهد و می‌گوید: «حضرت آقا قبلاً فتوا داده بودند که ساخت سلاح هسته‌ای غلط است، چون استفاده از آن حرام است، ولی باید توجه داشت که در علم فقه، فتاوا شرایط مختلفی دارند و اگر شرایط ثانویه تغییر کنند، فتوای مربوطه نیز می‌تواند تغییر کند.»

احمد بخشایش از دستانی، دیگر نماینده مجلس هم در مصاحبه‌ای که ۱۹ مهر با خبرآنلاین داشت، اینگونه گفته بود: «ایران برای اینکه بازدارندگی خودش را به رخ کشورهای منطقه و مخصوصاً اسرائیل برساند، باید بنده هسته‌ای داشته باشد، چراکه اسرائیل دارد. البته بنده این نکته را نمی‌گویم بلکه کنت ولز، پدر رئالیسم جدید حدود ۱۳ سال پیش در سخنرانی اعلام کرد برای اینکه ایرانی‌ها شب‌ها با آرامش بخوابند، باید سلاح هسته‌ای داشته باشند. البته اینکه معنی تغییر دکتربین هسته‌ای دفاعی ما چیست، بحث دیگری است.» احمد نادری، دیگر نماینده مجلس هم ۲۲ مهر، در مصاحبه با خبرگزاری ایسنا اینگونه گفته بود: «بارها متذکر شده‌ام ما نیاز داریم که در دکتربین نظامی و امنیتی خودمان تجدیدنظر کنیم تا بازدارندگی بسیار قدرتمندی به وجود آوریم. همچنین نیاز است نیروهای فعال شده در سراسر جهان علیه غاصبان جنایتکار را انسجام داده تا یک توافق جهانی علیه رژیم صهیونیستی به وجود آید.» اما در کنار اینها، یکی دیگر از نماینده‌های مجلس ششم آبان مصاحبه‌ای انجام داد و گفت منظور از تغییر دکتربین صرفاً ساخت سلاح هسته‌ای نیست. ابوالفضل ظهروند به خبرگزاری موج گفته بود: «بنابراین آنچه منافع و مصالح ما را تأمین کند باید به آن سمت برویم که یکی از آنها می‌تواند خروج از اژانس بین‌المللی اتمی و یا کاهش سطح همکاری‌ها با آن و یا خروج از NPT باشد. اینها از جمله مواردی است که می‌تواند تغییر دکتربین را توضیح دهد.»

به غیر از آنچه در بحث سلاح هسته‌ای مطرح شد، یک دیدگاه دیگر در بین برخی اصول‌گرایان وجود دارد که آن را هم می‌توان در زیرمجموعه تغییر دکتربین جای داد.



## احمد بخشایش نماینده مجلس:

**ایران برای اینکه بازدارندگی خودش را به رخ کشورهای منطقه و مخصوصاً اسرائیل برساند، باید سلاح هسته‌ای داشته باشد، چراکه اسرائیل دارد. البته بنده این نکته را نمی‌گویم بلکه کنت ولز، پدر رئالیسم جدید حدود ۱۳ سال پیش در سخنرانی اعلام کرد برای اینکه ایرانی‌ها شب‌ها با آرامش بخوابند، باید سلاح هسته‌ای داشته باشند. البته اینکه معنی تغییر دکتربین هسته‌ای و دفاعی ما چیست، بحث دیگری است**

به صورت مجزا در این گزارش به آنها اشاره خواهد شد. آنها در بخشی از بیانیه دستگاه‌های نظامی را مخاطب خود قرار داده و نوشتند: «جبهه شریان با ابراز گلایه از مسئولان ذریبط در دستگاه نظامی به دلیل تأخیر زیانبار در اجرای فرامین ولی‌امر مسلمین مبنی بر انتقام و مجازات سخت و تأکید بر پاسخ فوری، قاطع، پرتلفات و بازدارنده به دشمن روبه زوال صهیونی، بیان می‌آورد سکوت بیش از حد برخی مسئولان جمهوری اسلامی به معنای تضعیف اضلاع جبهه بین‌المللی مقاومت در لبنان و فلسطین و ارسال سیگنال منفی برای سایر اضلاع در سایر کشورهاست.» اما بخش دیگری از این بیانیه، خطاب به سیستم امنیتی کشور و به‌صورت ویژه شورای عالی امنیت ملی بود، جایی که آمده است: «از شورای عالی امنیت ملی مصراانه می‌خواهیم در این شرایط جنگی، حساسیت‌های خاص این دوره را رعایت کرده و نسبت به بنگاه‌های شایعه‌پراکنی و تخریب شخصیت‌ها و کسانی که طلی این مدت، فرماندهان بزرگی همچون شهید سنوار را با قلم‌های زهرا آگین خود ترور شخصیت نمودند و یا در موضوعات مشابه نسبت به تشویش افکار عمومی اقدام می‌نمایند و منجر به تشنث و تفرقه می‌شوند، دادگاه نظامی تشکیل داده و با خطایان برخورد قاطع و عبرت‌آموز نمایند. نفوذی‌های رخنه‌کرده در سازوکار حاکمیت و دولت در صف اول این برخورد باشند.»

گروه دیگری که در این زمینه می‌توان به آن اشاره کرد، جمعیت جنبان‌ازان انقلاب اسلامی است که دهم مهرماه بیانیه‌ای صادر کردند و در بخشی از آن دولت را مخاطب خود قرار داده و آوردند: «به دولت‌مردان توصیه می‌کنیم به‌جای آغوش بازکردن بر روی آمریکای خبیث و جنایت‌پیشه و دست دراز کردن برای اعلام صلح و برادری به منطق و هشدارهای روشن حضرت امام(ره) و مقام معظم رهبری برگردند و فریب وعده‌های پوک و بوچ آن‌ها را نخورند.»

در بین افرادی که صاحب‌مقام و منصب هستند، در این مسیر به سه نماینده مجلس می‌توان اشاره کرد. علی‌خضریان، عضو شورای مرکزی جبهه پایداری نهم مهر در جمع خبرنگاران گفته بود: «به تمام افرادی که خوش‌خیالی می‌کردند و فکر می‌کردند که پیغام آمریکایی‌ها منی بزرگ است که ما در این منطقه به سمت آتش‌بس خواهیم رفت را باور کرده بودند امروز به صحنه نگاه کنند و ببینند که این‌عقب‌نشینی‌هایی که در برخی جاها زمزمه می‌کردند، البته جبهه مقاومت به این زمزمه‌ها توجهی نکرد چه اثراتی دارد.» نمونه دیگر در همین مسیر، امیرحسین ثابتی، یکی از نزدیکان سعید جلیلی است که نهم مهر در صفحه توئیتر خود در زیر توئیتی که علی‌مطهری منتشر کرده بود، نوشت: «چه کسی فریب آمریکا را خورد و با سرپیچی از دستور رهبر معظم انقلاب و متوقف کردن عملیات انتقام شهید هنیه، باعث ترور سیدحسین نصرالله شد؟ چرا تاوان ساده‌لوحی عده‌ای خاص را باید ۸۰ میلیون ایرانی و جبهه مقاومت بدهد.» و در مثالی دیگر، می‌توان به اظهارنظری اشاره کرد که ابوالفضل ظهروند مطرح کرد و گفته بود: «اعتقاد دارم اگر آقای جلیلی می‌بود اسرائیل اینقدر راحت به خودش اجازه نمی‌داد دست به هم‌چین کارهایی (ترور سیدحسین نصرالله) بزند.»

اما در بین چهره‌هایی که مقام و منصب ندارند و فعال سیاسی محسوب می‌شوند نیز نمونه‌هایی از این نوع اظهارنظرها دیده می‌شود. محمد ایمانی که با نوشتن سرمقاله در روزنامه کیهان مطرح است، نهم مهر یادداشتی را در کانال تلگرامی این روزنامه نوشت که در بخشی از آن آمده بود: «خونخواهی میهمان شهید، حق و مسئولیت ذاتی جمهوری اسلامی ایران است، اما ادای این تعهد حقوقی و عقلانی بازدارنده، دو ماه به تأخیر افتاد. این تأخیر، به رژیم صهیونیستی فرصت و جرأت داد تا دور تازه‌ای از جنایات تروریستی را این بار در لبنان مرتکب شود. چرا مجازات اسرائیل به تأخیر افتاد؟ به خاطر دو انگاره غلط: اولی، همان که یک هفته قبل بر زبان آقای عراقچی هم جاری شد: «رژیم اسرائیل در غزه در باتلاق گرفتار شده و تصور می‌کنند با گسترش میدان جنگ می‌توانند از بن‌بست خارج شوند. ما کاملاً هوشیار هستیم و در تله آنها نخواهیم افتاد. حرکات آنها از سر استیصال است...» اما فریب روانی و تله‌گذاری محاسباتی دشمن، ضلع دومی هم داشت. آقای پزشکیان دیروز در جلسه دولت خیر داد: «ادعاهای سران آمریکا و کشورهای اروپایی که در ازای عدم پاسخ ایران به ترور شهید هنیه وعده آتش‌بس می‌دادند، تماماً دروغ بود و فرصت دادن به چنین جنایتکارانی صرفاً آنها را در ارتکاب به جنایات بیشتر جری‌تر خواهد کرد...» عملیات فریب‌آمیز اخیر غرب برای سست کردن اراده قاطع ایران، مشابه همان عملیات روانی مؤثری بود که موجب شد تیم آقای روحانی و ظریف به آمریکا و ترونیکی‌های اروپایی اعتماد کنند.» سیدیا سیر جبرائیلی، سوم آبان در صفحه توئیتر خود نوشت: «اگر بخوایم یک اولویت برای کشور ذکر کنم، احیای اقتدار از دست‌رفته دولت است. دولت فاقد اقتدار، قادر به هیچ‌گونه برنامه‌ریزی برای پیشرفت کشور نیست. در میانه جنگ اقتصادی و نظامی، آرایش جنگی لازم است، نه آنارشی.»